

**آفتاب** **دلتوشته**

**ضربان قلب مردم هم دست شماست**

**امیرحسین ذاکری • روزنامه‌نگار**

رئیس‌جمهور در دیدار با بازیکنان تیم ملی گفت: شما نقش مهمی در شادی و نشاط ملت ایران ایفا می‌کنید. در طول ۹۰ دقیقه چشم مردم به پای شما، تکنیک شما و تاکتیک شماست و ضربان قلب این هشتاد میلیون نفر در اختیار شماست. با این صحبت‌های دلگرم کننده چند نکته به ذهن رسید که خدمت رئیس دولت عرض می‌کنم:

• چشم همین مردم هم نه به پای شما بلکه به تصمیمات شما و وزرا و دیگر مسئولین هم می‌باشد. ضربان قلب این هشتاد میلیون نفر حتی دلوایسان شما در اختیار شما هم هست. شما که رئیس دولت همه چهاردرصدی‌ها و نود و شش درصدی‌ها هستید. چشم همه به این است که ببینند تیم جدید دولت و یا رئیس‌جمهور در دور جدید چه می‌کند؟ آیا چنان می‌کند که یک مجری مثل یامین پور در یک برنامه "نود سیاسی" بگوید: "چه می‌کنه ایسن روحانی؟" آیا دفاع محکمی در برابر تیم‌های هجومی مخالفان دارید؟ آیا توان گلزنی به دروازه حریفان داخلی و خارجی دارید. آیا مهاجمین تکنیکی دارید که باعث شادی ملت شوند؟ آیا بازیکنان با روحیه‌ای دارید که معنوم سنگ پراکنی برخی مخالفان بدتر از برخی تماشاگر نماها نشوند. آیا در زمینه دیپلماسی خارجی توان این را دارید که در زمینی بازی کنید که با نا داوری داوران بدتر از برخی داوران عربی روبرو هستید؟

• با این تکل خطرناک اخیر رئیس‌جمهور آمریکا و تیلرسون و اعضای سنای آمریکا در اعمال تحریم‌های جدید چه می‌کنید؟

• آیا دولت جدید از مریبانی چون برانکو و کی‌روش چیزی آموخته؟ آیا مثل کی‌روش و برانکو با تمام توان مقابل مخالفین برنامه‌هایتان می‌ایستید و می‌گویید: مریبوری تدارکاتچی نیست. اگر موفقیت می‌خواهید باید به برنامه‌های ما تن بدهید. البته اگر برنامه‌هایتان کی‌روش محور و یا نخبه‌گانه باشد.

• خلاصه رئیس دولت، ضربان قلب همه اهالی این دیار چه آنها که دوست‌تان دارند چه ندارند در دستان شماست!

• با دلوایسان معیشت که حتما دلوایس امنیت هم خواهند شد چه می‌کنید؟

• یکسری بازیکن جوان تیز چنگ جدید به تیم کابینه بیاورید چند غزال تیز با بیاورید تا امید به خلق حماسه‌های بهتر از ملبورن یا حماسه ۹۲ و ۹۶ شکل بگیرد.

• سردبیر یکی از جراید نوشته بود: «در جایگاه خوفناکی قرار گرفته‌اید» به نظر من با این شرایط جهانی انصافا در گروه سختی افتاده‌اید!

**آفتاب** **داستان**

**داستان مسیح**

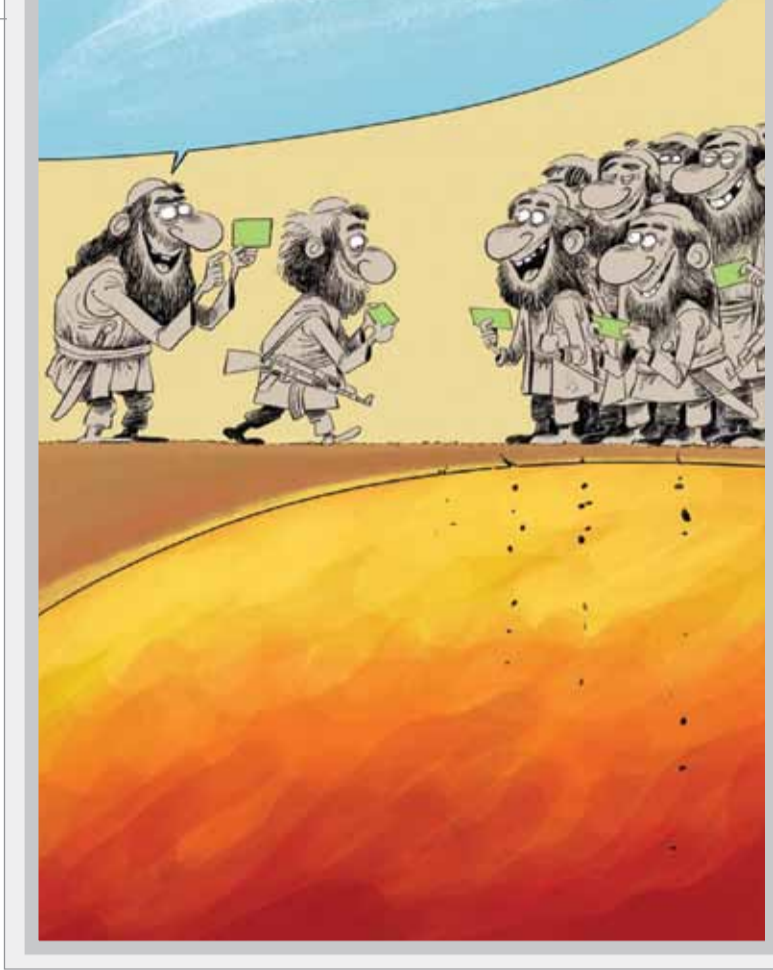
**سید رسول بهشتی زاده**

پر توهای نور از پنجره دارهای شکل سقف به داخل اتاق زیرشیروانی می‌تابید اما قدرت این رانداشت تا تمام محیط را روشن کند، ذرات گرد و غبار معلق در فضا ستونی نمرئی از نور میان پنجره سقف و کف اتاق آشکار می‌ساخت. تاریکی منجمی برای خودنمایی به نقاشی‌های آویخته شده بر روی دیوارهای کثیف و زمخت رانمی‌داد؛ نقاشی‌هایی که روح خالقش در آن‌ها موج می‌زد. پسرک با مدادی در دست در میان ستون نور نشسته و مشغول کشیدن طرحی بسر روی ورقه کاغذ جلو خود بود. او مدت‌ها به دور از چشم‌ان دیگران در اینجا کار می‌کرد و به خاطر جنه کوچکش می‌توانست از درپچه کف اتاق وارد شود. درپچه به اتاق شخصی او راه داشت، اتاق بزرگ، بدون پنجره و پر از کتاب‌ها و وسایل آموزشی. زمان به همین منوال می‌گذشت تا اینکه نقاشی تکمیل شد و پسرک با لبخندی کار خود را برانداز کرد، تصویر گروهی از پروانه‌های بزرگ و کوچک، پسرک باز سرش را بلند کرد و به پنجره اتاق نگرست، انگشتانش را از هم باز کرد و بر روی ورقه کاغذ کشید. پروانگان زیر دستانش جان می‌گرفتند و شروع به پرواز می‌کردند، ستون نور حال تبدیل به ستون پروانه‌ها شده بود، آنها گونه‌هایش را قفلک می‌دادند و او را به خندیدن وامی‌داشتند تمام این موجودات رنگارنگ در تاریک‌ترین نقطه خانه خود هم می‌رقصیدند و منظره‌ای را می‌ساختند که طبیعت تا به حال نظیر آن را به خود ندیده بود، این معجزه ادامه داشت تا اینکه کسی درب کف اتاق را محکم کوبید. سکوت جای خنده‌ها را گرفت، پروانه‌ها گریختند و تاریکی بر محیط‌هاکام شد، از طبقه پایین کسی ناسزا می‌گفت پسرک سر جایش خشکش زده بود جفت در از ضربات پیاپی خود به خود باز شد، مردی با چهره عصبانی سرش را داخل آورد و با نگاهی شروع به بازرسی اطراف کرد تا اینکه چشمش‌ش بر روی پسرک قفل شد قیافه‌اش بیشتر در هم رفت و با صدای بلند فریاد زد «من اینقدر خرج هزینه‌هایت را می‌دهم و تو این نقاشی‌های احمقانه را می‌کشی»، توهینات ادامه داشت پسرک آن روز تنبیه سختی شد و دیگر هیچ‌گاه نتوانست به آنجا بازگردد و روحش را برای همیشه در همان اتاق دفن کرد. سال‌ها از آن زمان می‌گذرد حال مردی میانسال در میان اتاق زیر شیروانی ایستاده است و به پنجره سفید نگاه می‌کند آخرین نقاشی هنوز همانجاست اما دیگر تالگو نوری وجود ندارد، معجزه داستان مسیح پایان یافته است.

نشانی الکترونیکی روزنامه: [aftab.yz@gmail.com](mailto:aftab.yz@gmail.com)  
 سامانه پیامک آفتاب یزد: ۳۰۰۱۴۴۷۷  
 رتبه ۵ در میان روزنامه‌های خصوصی، رتبه ۱۳ در میان روزنامه‌های کشور  
 عضو انجمن روزنامه‌های غیر دولتی - تعاونی مطبوعات - انجمن مدیران رسانه  
 توصیه می‌شود در خصوص برخی آگهی‌ها تحقیق لازم صورت گیرد  
 نویسندگان روزنامه آفتاب یزد به میناق نامه اخلاقی که در سایت روزنامه به نمایش گذاشته شده است پایبند می‌باشند.

**مهدی عزیزی • کارتون‌نویس**

**داعش کارت ورود به بهشت توزیع می‌کند!**



**آفتاب** **خان عمو جان**

**بورسیه بدم یا طلاق می‌گیری؟**

**ایمان وزان • طنزنویس**

خان عموجان گفت: می‌دانستی دختر آقا بارمان، قصاب محله ما مطلق گرفته؟  
 گفتم: اسم قصاب محله شما بارمان است؟ عجب اسمی! خوب حالا چرا طلاق گرفته؟  
 خان عموجان گفت: مثل اینکه همسرش نتوانسته برایش بورسیه تحصیلی فراهم کند!  
 با تعجب پرسیدم: بورسیه چه ربطی به طلاق دارد؟  
 خان عموجان گفت مگر خبرها را خواندی؟ آقای نجفی در سخنان‌شان گفتند: در دوره احمدی‌نژاد، برخی بورسیه‌ها مشکل طلاق را حل می‌کرد!  
 گفتم: آخر چطور ممکن است بورسیه‌ها حلال مشکل طلاق باشد؟  
 خان عموجان گفت از آنجا که برای خود بنده هم این سواد پیش آمده است، ماجرا را تحلیل کرده‌ام و چند مورد را راهکارهایم را برایت می‌گویم.  
 ۱- ساده‌ترین روش، دادن بورسیه یک دانشگاه خارجی در برابر طلاق نگرفتن! به این صورت که عروس خانم و آقا داماد را به‌جای ماه عسل احسان علی‌بخانی، بفرستیم

**آفتاب** **یادداشت**

**شریعتی در نگاه طالبانی**

**رضا بزرگول • روزنامه‌نگار**

مرا کسی ساخت، خدا ساخت، نه آنچنان که کسی می‌خواست که من کسی نداشتم. کسم خدا بود، کس بی‌کسان. در باغ بی‌برگی زادم و در ثروت فقر غنی گشتم و از چشمه ایمان سیراب شدم و در هوای دوست داشتن دم زدم و در آرزوی آزادی بسر برداشتم و در بالای غرور قد کشیدم و از دانش طعامم داند و از شعر شریام نوشاندند و از مهر نوازشم کردند تا حقیقت دینم شد و راه رفتم، خیر حیایم نشد و کار ماندنم، زیبایی عشقم شد و بهانه زیستم!  
 با فرا رسیدن ۲۹ خرداد بیشت‌ر نگاه‌ها و تفسیر و تحلیل‌ها به شخصیت و اندیشه معلم انقلاب، زنده یاد شریعتی تسوق داده می‌شود و هر کسی از ظن خویش از آن معلم یاد و یا نقد می‌کند. معلمی که جوانی و همه هستی‌اش را فدای اهداف و اندیشه‌اش کرد، معلمی که مخالف و موافق از نقش بی‌بدیش در انقلاب ۵۷ سخن راندند. یکی از موافقانی که خود با تفسیرهای نو از قرآن، عامل جذب جوانان به انقلاب ایران بود، طالبانی است، انسانی که اخلاصش زیانزد خاص و عام است و نگاهش به شریعتی چنین: "در دوره‌ای که زنده باد گفتن اسلام جرم بود و شروع کرد جوانها را جذب کردن، دنبال تحقیق رفت، کتاب خواند، تفکر کرد، اندیشید، هجرت کرد، و با مردم دنیا و مکتب‌های دیگر آشنا شد. بتدریج آفاق ذهنش باز شد و آنچه باید از یک اسلام متحرک انقلابی و اجتماعی بداند دریافت کرد و به روحش شاد و راهش پر رهرو باد

**آفتاب** **دیالوگ**



**دنی آرچر (لئوناردو دی کابرو):**  
**گاهی با خودم فکر می‌کنم**  
**ممکنه خدا ما انسان‌ها رو**  
**به خاطر بلاهایی که سر**  
**همدیگه آورد بهم بخشد؟**  
 الماس خونین  
 اداوارد زوتیک

**روزنامه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی**

**آفتاب**

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: منصور مظفری  
 سردبیر: سیدعلیرضا کریمی  
 تهران: خیابان شهید مطهری، ابتدای قائم مقام فرراهانی (به سمت هفت تیر)  
 کوه ۲۶ پلاک ۱۰ طبقه اول واحد یک  
 اموز آگهی‌ها: ۷۷۸۲ ۸۱۹ ۰۹۱۲  
 تلفن: ۸۸۳۲۱۳۹۹ - ۸۸۳۲۱۳۹۹ - ۸۸۳۲۱۳۹۹  
 چاپ: روزتاب - جاده مخصوص - تلفن: ۷۰۶-۴۴۵۴۰۷۶  
 توزیع: تلفن: ۷۷۸۲ ۸۱۹ ۰۹۱۲  
 دفتر مرکزی یزد: بلوار ۲۲ بهمن، تلفن: ۳۵۲۴۶۹۱۹ - ۳۵ - ۳۵۲۴۶۹۱۹  
 مقالات و نوشتارهای ارسالی به روزنامه افتخاری بوده و در صورت عدم چاپ مسترد نمی‌گردد

**دوشنبه ۲۹ خرداد ۱۳۹۶ | 19JUN 2017 | ۲۴ رمضان ۱۴۳۸ | اسال ۱۹ | شماره ۴۹۲۱ |**

**سایت خبری**

**آفتاب** **منصرد**

**www.aftabeghtesadi.com**

**آفتاب** **فلش بک سیاسی**

**اساس ایمان صبر و خوشنودی است**

**کلام امام علی (ع)**

**توبه‌زندانان تروریست**

**جمعه ۱۱ دی‌ماه ۱۳۶۰**

زندانیان تروریست توبه کرده را آورده بودند عفت، فاطمی و محسن، دیروز به رفسنجان رفته‌اند و مهدی و یاسر شب به مجلس آمدند و با هم به خانه آمدیم. امروز من مسئول حفاظت و اداره آنها هستم. اول صبح، پس از نماز و نوشتن خاطره دو روز گذشته، مشغول مطالعه گزارش‌ها شده‌ام و بچه‌ها خوابیده‌اند. برف باریده و درخت‌ها، دیوارها، حیاط و جماران پوشیده از برف است، خیلی با صفاست. رادیو هم سرود می‌خواند.  
 آقای (محمد) امامی (کاشانی) نماز جمعه را اقامه کردند و آقای (رسول) منتجب (نیا)، (نماینده شوش اندیشک) سخنرانی قبل از نماز را؛ و در نماز امروز چهار صدنفر از

**آفتاب** **از چپ به راست**

**ستون «از چپ به راست» به بررسی نشریات اصولگرایم پرداخت**

**کیهان عصبانی است! چرا؟**

قدس از معرفی مدیران متخلف انتخاباتی به قوه قضائیه خبر داده است. این اخبار را دنبال خواهیم کرد همچون روزنامه قدس!

**کیهان**

کیهان به شدت عصبانی است! (۱) این را می‌توان از نیم‌صفحه نخست این روزنامه فهمید و اما تعمیم دادن این عصبانیت به موضوع تحریم‌ها، آن‌هم تحریم‌هایی که تا زگی ندارد، اندکی عجولانه است. آن‌چه کیهان را به شدت عصبانی ساخته بازمی‌گردد به برخی تحلیل‌ها و یادداشت‌ها پیرامون آتش به اختیار و گرنه تحریم‌ها را همه می‌دانند و همه می‌شناسند.

**رسالت**

مؤتلفه این روزها پر کارتر از همیشه شده! (۱) بی‌سپرده نقد می‌کنند و بیشتر بر سر زبان‌هاست. رسالت روزنامه این ارگان سیاسی پای درد دل‌های باهنری نشسته که تفکراتش چندان با تفکرات مؤتلفه‌ای‌ها زاویه ندارد. مهم‌ترین سخن باهنر لابد همانی است که تیتتر شده: «موفقیت دولت را موفقیت نظام می‌دانیم» و اما باید دو سؤال مطرح کرد: نخست: اگر این چنین است پس چرا چوب لای چرخ دولت می‌گذارند؟ یعنی می‌توان در اساس همین ادعا، چوب لای چرخ دولت گذارندگان را مخالف نظام تلقی کرد؟ دوم: اگر موفقیت دولت موفقیت نظام است چرا به جای همراهی با دولت که همانا همراهی با نظام است به دولت حمله می‌کنند؟

**سیاست روز**

**این بار در کوبا**

روزنامه‌های «دب آمریکا» و «آغاز روابط بعد از ۵۴ سال» به‌کار بردند و تلاش کردند آن را الگویی برای ایران معرفی کنند. ولی حالا دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا در جریان سخنرانی خود در میامی، یکی از سیاست‌های نمادین باراک اوباما در دوران ریاست جمهوری‌اش یعنی برقراری روابط حسنه با کوبا را زیر سؤال برده و فرمان لغو آن را صادر می‌کند. وی روز جمعه از شهر میامی در ایالت فلوریدا، لغو توافق میان واشنگتن و هاوانا را که در سال ۲۰۱۴ میلادی منعقد شده بود اعلام و گفت: منع گردشگری آمریکایی‌ها در کوبا دوباره برقرار و تحریم‌ها علیه هاوانا اعمال می‌شوند. ترامپ دولت کاسترو را رژیم «وحشی» خواند و در توصیف توافق میان دولت‌های کاسترو و اوباما گفت که این توافق «به مردم کوبا کمکی نمی‌کند بلکه باعث تقویت رژیم کوبا می‌شود.» وی تأکید کرد: دستور لغو این توافق باید به‌سرعت اجرا شود.

سیاست روز از ویلایی‌ها حمایت کرده اما تجربه ثابت می‌کند حمایت برخی رسانه‌های خاص که معطوف به یک جریان سیاسی هستند تقریباً برای فیلم‌های مورد حمایت، خوش‌یمن نبوده!

**فرهیب‌نگان**

فرهیب‌نگان که تا پیش از تغییر و تحولات حرف و حدیث‌دار دانشگاه آزاد بیشتر روزنامه‌ای دانشگاهی بود در یک تغییر مسیر شناورده، به روزنامه‌ای شدیداً سیاسی در حال تبدیل شدن است. این را می‌توان از نیم‌صفحه این روزهای این روزنامه متوجه شد و البته جهت‌گیری‌هایی خاص که در برخی گزارش‌ها و سرمقاله‌ها مشهود است.

**آفتاب** **شوخی حقوقدان**

**مژده**

**میثاق‌محمدی**

س: خواستم برسرم تحقیقات به جایی رسید؟ او را پیدا کردید؟ مژده‌ها برای ما ندارد؟  
 س: مژده! چرا خوشبختانه مژده دارم.  
 س: چه مژده‌ای؟  
 مشاور: این مژده که هنوز پیدا نشده است!

مشاور: ببخشید من سه پرونده غایب مفقودالامر دارم؛ کدامیک را می‌فرمایید؟  
 س: همان که معناد و زشت و بدقولاره بود و یک طرف صورتش هم افتاده بود.  
 مشاور: آهان، پله یادم آمد. فرمایند داشتید؟